

گذری بر کتاب

شهر آشوب لسانی شیرازی

سید حسن شهرستانی

پیش در آمد

مقام معظم رهبری سال گذشته به پاس «اصلاح و بازیابی چند نسخه خطی»، یکی از نفائس کتابخانه شخصی خویش را که نسخه خطی «شهر آشوب»، اثر لسانی شیرازی است به سازمان ملی ایران اهدا فرمودند. معظم له در طلیمه کتاب مرقوم داشته‌اند:

«این نسخه شهر آشوب یا مجمع الاصناف لسانی شیرازی که ظاهراً تحریر اوائل قرن یازدهم هجری است، به مرکز اسناد ملی ایران اهداء می‌شود تا نشانه‌ی سپاس اینجانب از آن مرکز به خاطر اهتمام به اصلاح و بازیابی چند نسخه خطی مشرف بر نابودی باشد. شایان ذکر است که این نسخه یکی از منابع عمده‌ی تصحیح و تحقیق آقای احمد گلچین معانی است که شهر آشوب لسانی را در ضمن مجموعه‌ئی به نام «شهر آشوب در شعر فارسی» درج کرده است. اگرچه نامبرده چنانکه شایسته بود، از این نسخه معرفی به عمل نیاورده و تنها در پایان کتاب (ص ۱۶۲) مختصراً به آن اشاره کرده است. بی‌شک نسخه‌ئی که رباعیات را از ۴۳۰ عدد به ۵۴۰ عدد افزایش می‌دهد درخور اهتمام و معرفی بیشتر از آن است. کتاب مزبور در سال ۱۳۴۶ شمسی چاپ شده است.»

سید علی خامنه‌ای

۷۵/۷/۹

فرمایش مقام معظم رهبری سبب شد تا حسن مطلع این شماره از گنجینه اسناد را به معرفی نسخه‌ی دستنویس کتاب شهر آشوب، اختصاص دهیم. تا انشاءالله در فرصتی مناسب با اهتمامی بیشتر آن را به زیور طبع بیارائیم. اما پیش از آن لازم است تعریفی جامع از اصطلاح «شهر آشوب» یا شهر انگیز در شعر فارسی داشته باشیم و سپس به معرفی لسانی شیرازی و اثر معروف او بپردازیم.

شهر آشوب

«شهر آشوب» یا «شهر انگیز» یکی از انواع شعر فارسی است که در قالب قصیده، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی سروده شده است و دارای سه معنی مصطلح می‌باشد.

۱- به عنوان صفت فاعلی، و آن کسی است که «در حسن و جمال آشوبنده شهر و فتنه دهر باشد» چنانکه حافظ گوید:

لفغان کین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب

چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
۲- به عنوان ترکیب وصفی و «آن نظمی است که مدح یا ذم اکثر مردم شهر در آن باشد».

شهر آشوب بدین معنی در میان فارسی‌زبانان دارای پیشینه‌ای است که به سده پنجم هجری باز می‌گردد. چنانکه ابوالحسن آغاجی در هجو شهر بلخ گفته است:

و بلدة قد ركب اسم لها من احرف النجل و هی بلخ
والعیش فیها کاسمها مبدلا من بانها تاء و ذا تلخ

و یا فرخی سیستانی در مذمت مردم سمرقند چنین سروده است:

همه نعیم سمرقند سر به سر دیدم

نظاره کردم در باغ و راغ و وادی و دشت
چو بود کیسه و جیب من از دم خالی

دلم ز صحن امل فرش خرمی بنوشت
بسی ز اهل هنر بارها به هر شهری

شنیده بودم کوثر یکی است و جنت هشت
هزار کوثر دیدم هزار جنت بیش

ولی چه سود چو من تشنه باز خواهم گشت
چو دیده نعمت بیند به کف درم نبود

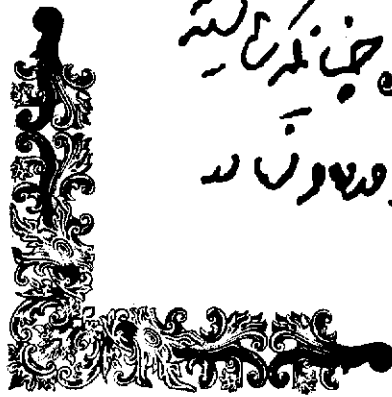
سر بریده بود در میان زرین طشت
و معروف‌تر از آن، قطعه‌ای است منسوب به انوری که در قدح مردم بلخ و مدح نیشابور سروده شده است:



بسم الله الرحمن الرحيم

این نندی که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 در ظاهر آتکر بر او تفرق یا زدم همگی است به برز
 این رملی این اهدا می گویند تا نشانی سپاسی از
 لذت آن سرور بنظر اهتمام به اجمع و باز با چند نندی
 خطی شرف بر باربری باشد تا این ذرات
 این نندی از نبع عمده تقسیم و تحقیق در
 طبعین معارف که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 همه عهدت به نام که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 در کرب و ایام از چه نامبرن چنانکه در
 بواز این نندی سعادت بر عهده و در

این نندی که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 در ظاهر آتکر بر او تفرق یا زدم همگی است به برز
 این رملی این اهدا می گویند تا نشانی سپاسی از
 لذت آن سرور بنظر اهتمام به اجمع و باز با چند نندی
 خطی شرف بر باربری باشد تا این ذرات
 این نندی از نبع عمده تقسیم و تحقیق در
 طبعین معارف که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 همه عهدت به نام که آرد بیا جمع الا هذو کذا فی سیرة
 در کرب و ایام از چه نامبرن چنانکه در
 بواز این نندی سعادت بر عهده و در



چار شهر است خراسان را بر چار طرف
 که وسطشان به مسافت کم صدردصد نیست
 بلخ شهری است در آگنده به اوباش ورنود
 در همه شهر و نواحیش یکی بخرد نیست
 مرو شهری است به ترتیب همه چیز دراو
 جد و هزلش متساوی و هری هم بد نیست
 حبذا شهر نساپور که در ملک خدای

گر بهشتی است همان است و گرنه خود نیست
 ۳- «شهر آشوب» علاوه بر دو معنی فوق، به شکل دیگری نیز تعریف شده است و آن «هر نوع شعر را گویند که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفت و صنعت ایشان سروده شده باشد». شکل اخیر که معمولاً در قالب رباعی سروده شده، توجه شاعران بیشتری را به خود معطوف داشته است. این نوع که به «صنایع البدایع» و یا «مجمع الاصناف» نیز مشهور است، از دو نوع دیگر به لحاظ اجتماعی و ادبی ارزش بیشتری دارد. زیرا «از نظر جامعه شناسی و نیز اشتغال بر لغات و اصطلاحات فنی و اسامی کارافزارها و ذکر صنایع و حرف ارباب ادوار مختلف، متضمن فواید بسیاری است» و ثانیاً از آنجایی که شاعران، اصحاب حرف مختلف را به شوخ، محبوب، بت، دلبر، دلدار و ... تعبیر کرده‌اند، ناگزیر زیباترین تصاویر شعری را برای توصیف آنها به کار گرفته‌اند؛ که خود باعث خلق سروده‌های لطیف و دلنشین شده است.

شهر آشوب‌های فارسی

در زبان فارسی شهر آشوب‌های بسیاری نوشته شده است. قدیمیترین آنها به مسعود سعد سلمان (شاعر سده ششم) تعلق دارد و جدیدترین آنها هم تا سده‌های اخیر ادامه یافته است. مهم‌ترین شهر آشوب‌هایی که تا زمان لسانی شیرازی (سده دهم)، سروده شده به قرار زیر است:

۱- شهر آشوب، مسعود سعد سلمان (د: ۵۱۵ ق)

۲- کارنامه بلخ، سنائی غزنوی (د: ۵۳۵ ق)

۳- شهر آشوب، مهستی گنجوی

۴- شهر آشوب، کمال‌الدین (د: نیمه دوم سده ششم)

۵- شهر آشوب، امیر خسرو دهلوی (د: ۷۲۵ ق)

۶- شهر انگیز، سیفی بخاری (د: ۹۰۹ ق)

۷- شهر آشوب، آگهی خراسانی

۸- شهر آشوب، لسانی شیرازی (د: ۹۴۰ ق)

لسانی شیرازی

وجیه‌الدین عبدالله لسانی، پسر محمد مشک فروش شیرازی، از شاعران نیمه اول سده دهم هجری است که در شیراز بدنیا آمد. دوران زندگی او مصادف است با آغاز حکومت صفویان. بیشترین سالهای زندگی او در شهرهای تبریز و بغداد سپری شد و در نهایت، تبریز را برای سکونت برگزید. او مورد توجه و حمایت سام میرزا پسر شاه اسماعیل و وزیر معروف صفویان، (امیر نجم ثانی) قرار داشت.

لسانی در حدود سال ۹۴۰ ق در همین شهر درگذشت و در مقبره سرخاب تبریز به خاک سپرده شد.

لسانی شیرازی در سرودن مذایح و مرثی اهل بیت علیهم‌السلام، توجه خاص نشان می‌داد. از این رو از حرمت ویژه‌ای برخوردار شده بود. قاضی نورالله شوشتی در مجالس المؤمنین، مذایح وی را نزدیک به یکصد هزار بیت دانسته است. از معروف‌ترین سروده‌های وی در این زمینه، قصیده‌ای است در ستایش امام علی (ع) به مطلع زیر:

می‌ رسم از گرد راه رقص کنان چون صبا

باد جنون در دماغ، عاشق و سر در هوا

لسانی علاوه بر مدیحه سرائی، در سرودن ترکیب بندهای کوتاه نیز استاد بود. چنانکه بعدها، ترکیب بندهای او مورد تقلید شاعرانی مانند وحشی بافقی، محتشم کاشانی، ضمیری و هجری قرار گرفت. او همچنین در سرودن اشعار وصفی و غنائی، شیوه‌ای نو پدید آورد که از آن به عنوان «شهر آشوب»، «شهر انگیز» و یا «مجمع الاصناف» یاد می‌کنند و آن مجموعه رباعیاتی است در توصیف شهر تبریز و پیشه‌وران آن.

آثار

۱- دیوان: این اثر تاکنون چاپ نشده است ولی دستنویس‌های بسیار از آن وجود دارد که در کتابخانه‌های اصفیه هند، دانشگاه تهران، مجلس، موزه بریتانیا و ... نگهداری می‌شود.

۲- مجمع الاصناف: که به نام‌های «شهر انگیز» و «شهر آشوب» نیز معروف شده است. این اثر دارای دستنویس‌هایی است که بنا بر گزارش آقای احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (طبع تهران، ۱۳۵۱)، چنین معرفی شده است:

- مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۹۱۸، نستعلیق ۱۰۳۵ ق.

- مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۶۴۱، نستعلیق ۱۰۵۵ ق.

- تهران، کتابخانه سعید نفیسی، ش ۶۲۰، نستعلیق ۱۲۸۳ ق.

- تهران، آقای خامنه‌ای، نوشته اوایل سده ۱۱ ق.

نسخه اخیر، همان دستنویسی است که مقام معظم رهبری به سازمان اسناد ملی ایران اهدا فرموده‌اند. براساس نوشته‌ی معظم‌له در آغاز کتاب، ایشان ظاهراً در حدود سالهای ۱۳۳۳ ش / ۱۳۷۲ ق، این کتاب را ابداع فرموده بودند که از آن زمان تا هنگام اهدا، در کتابخانه شخصی ایشان نگهداری می‌شد.

شهر آشوب (نسخه اهدائی مقام معظم رهبری)

این کتاب در ۸۸ برگ فراهم آمده که شامل «شهر آشوب» و رساله‌ای به نثر در «نفس و عقل» است. برگهای کتاب، نخودی رنگ و از نوع ترمه اصفهانی است که در سده یازدهم ساخته شده است. صحافی و تجلید کتاب، جدیدتر از اصل آن است و قدمتش به سده سیزدهم بازمی‌گردد. صحاف، به هنگام صحافی، در آغاز کتاب ۹ برگ، در پایان «شهر آشوب» و پیش از «رساله نفس و عقل» ۸ برگ و در پایان هم ۸ برگ دیگر از نوع کاغذ فرنگی (ساخته سده سیزدهم) به کتاب الحاق نموده است. جلد کتاب، تیماج زرد متمایل به قهوه‌ای (ساخته سده سیزدهم) است که روی آن جدول بندی صورت گرفته است.

«شهر آشوب» در ۵۹ برگ نگاشته شده و خط آن از نوع نستعلیق خوش است که در سده یازدهم کتابت شده است. در آغاز پس از حمد و

شای خداوند و نعت رسول اکرم (ص)، خصوصیات شهر تبریز توصیف شده و سپس در قالب ۴۰۰ رباعی، به بیان هشتاد صاحب حرفه مانند: زرگر، عطار، کمانگر، خیاط و ... پرداخته شده است. هر پنج رباعی اختصاص به یک حرفه دارد که در آغاز هر کدام، تک بیتی، در قالب مثنوی، به جای عنوان برای هر یک از مشاغل آمده است. خط این تک بیتها با شنگرف نوشته شده تا از بقیه رباعیات متمایز گردد.

مآخذ

- «رساله نفس و عقل» در پنج برگ پایانی این کتاب آمده است. خط این رساله نیز از نوع نستعلیق خوش است و به نظر می‌رسد که کاتب این رساله، همان است که «شهر آشوب» را تحریر کرده است. زمان کتابت رساله هم در سده یازدهم بوده است. موضوع رساله داستانی است به نثر در جنگ میان نفس و عقل، از نوع داستانهایی مانند «صحت و مرض» فضولی بغدادی و «حسن و دل» سبک نیشابوری. نویسنده رساله بدین گونه معرفی شده است: «احقر الشعرا ملک‌زاده آهی» آغاز و پایان رساله ناقص است. بنظر می‌رسد صحاف کتاب متوجه این نقصان بوده است که برگهای سفیدی را در این دو جای قرار داده بود تا بعداً رساله را کامل نماید.
- شهر آشوب لسانی تاکنون دوبار چاپ شده است:
- شهر آشوب، به کوشش علیرضا مجتهدزاده، مشهد، (۱۳۴۵)، ۳۳ ص.
 - شهر آشوب در شعر فارسی، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، (۱۳۴۶)، ۹۶-۱۶۲.
 - شهر آشوب لسانی شیرازی، به کوشش علیرضا مجتهدزاده، مشهد، (۱۳۴۵)، ۳۳ ص.
 - تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، تهران، (۱۳۷۱)، ۶۳۶/۵-۶۴۱.
 - سبک خراسانی در شعر فارسی، محمد جعفر محجوب، تهران، (۱۳۵۰)، ۶۷۷-۶۹۹.
 - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، (۱۳۵۱)، ۳۱۶۷/۴.
 - فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران، (۱۳۷۴)، ۴۴۲/۱.

